

بسم الله الرحمن الرحيم^۱

عرض شد شیخنا الاستاد با اینکه مبنایشان این است که در شبهات موضوعی فحص لازم نیست، با تمسک به اطلاق حدیث رفع و تعمیم روایات لکن می‌فرمایند در سه مورد از شبهات موضوعی فحص لازم است مورد اول نصاب زکات و بحث خمس بود فحص لازم است دلیل ایشان را مطرح کردیم و نقد آن را هم اشاره نمودیم.

مورد دوم و سوم شک در مسافت بود در نماز و شک در استطاعت در حج بود، ایشان می‌فرمایند در این دو مورد هم با اینکه شبهه موضوعی است، فحص لازم است. دلیل ایشان در این دو مورد اهمیت نماز و حج است ایشان می‌فرمایند کسی که در روایات وارد شده در نماز دقت کند اهتمام خاص شارع را به مبحث نماز می‌بیند مثال از ماست «**فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سَوَاهَا**»^۲ و امثال آن، لذا چون نماز اهمیت دارد در نزد شارع شبهه موضوعی اش هم فحص می‌خواهد.

نسبت به حج هم همین نکته را دارند و می‌فرمایند اهمیت حج به اندازه‌ای است که روایات می‌گویند تارک حج کافر است لذا اهمیت حج اقتضا می‌کند اگر کسی در استطاعت این حج شبهه داشته باشد فحص بر او لازم است.

عرض می‌کنیم اگر مطلب آنگونه باشد که ما فهمیدیم، التزام به این مطلب ممکن نیست و این مطلب را نمی‌شود قبول کرد به خاطر اینکه: **اولاً:** (اشکال اول) اگر اهمیت باعث می‌شود فحص در شبهات موضوعی اش لازم باشد، ما ابواب دیگری در فقه داریم که اهمیت فوق العاده آنها اثبات می‌شود؛ مثل حق الناس یا در مسائل اجتماعی روایات باب جهاد و امر به معروف را ببینید نهایت اهمیت را اسلام برای جهاد و برای امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است، اگر ملاک اهمیت است، این ابواب هم اهمیت دارد پس در شبهات موضوعی این ابواب هم شما قائل به وجوب فحص شوید به خاطر اهمیت آن!

ثانیاً: (اشکال دوم) این است که اگر باب نماز مهم است چرا وجوب فحص را اختصاص می‌دهید به یک مسئله آن و آن مسافت و قصر در سفر؟ اگر نماز مهم است تمام مسائلش مهم است لذا باید در تمام شبهات موضوعی باب نماز مثل قبله و امثال قبله چون اهمیت دارد قائل به وجوب فحص شوید نه خصوص مورد خاص و در حج هم اگر اهمیت اقتضا می‌کند وجوب فحص را در شبهات موضوعی چرا فقط در استطاعت این حرف را می‌زنید؟ در تمام شبهات موضوعی در شئون حج باید قائل به وجوب فحص شوید! به خاطر اهمیت حج، شبهه موضوعی در رمی جمرات، وقوف در مشعر و وقوف در منا و امثال آن.

بنابراین این موارد سه‌گانه که حضرت استاد استثنا کردند و فرمودند فحص لازم است، طبق مبنای ایشان اختصاص استثنا به این موارد وجهی ندارد.

این تمام کلام در شرط فحص قبل از جریان اصول عملی.

نتیجه: به نظر ما چنانکه فحص در شبهات حکمی لازم است در شبهات موضوعی هم فحص لازم است الا ما خرج بالدلیل.

دو شرط دیگر برای جریان براءت ذکر شده است که این دو شرط را محقق **فاضل تونی** مطرح کرده‌اند و **شیخ انصاری** از ایشان نقل کرده است.^۳

شرط اول: براءت در وقتی جاری می‌شود که از جریان براءت یک حکم التزامی تولید نشود و الا اگر با اجرای براءت یک حکم الزامی تولید شد دیگر براءت جاری نمی‌شود. چند مثال می‌زنند که به یک مثال اشاره می‌کنیم:

مثال: زید علم اجمالی دارد یکی از این دو مایع نجس است، فاضل تونی می‌فرمایند اگر در ظرف اول براءت جاری کند شرایطش وجود دارد مالا یعلم است، براءت جاری کند و بگوید پس ظرف اول پاک است. نتیجه این می‌شود پس مایع دوم نجس است و وجوب اجتناب دارد اینجا از اجرای براءت یک حکم الزامی تولید شد، وجوب اجتناب از ظرف دوم، چون یک حکم الزامی تولید شده اصل براءت جاری نمی‌شود. عرض می‌کنیم که این شرط، شرطی نیست که به آن ملتزم شویم به خاطر اینکه توضیح خواهیم داد در برخی از این مثالها اینکه حکم الزامی از اجرای براءت تولید می‌شود لذا براءت جاری نیست، در بعضی از مثالها چنین نیست اصلاً اینکه براءت جاری نمی‌شود به جهت دیگر است. در برخی مثالها هر چند حکم الزامی هم تولید بشود براءت جاری می‌شود اصلاً محذوری ندارد. لذا این شرطی که ایشان می‌گویند شرطیت ندارند.

۱ - جلسه ۴۹ - مسلسل ۲۶۴ - سه‌شنبه ۱۴۰۰/۱۰/۲۱

۲ - الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۳، ص: ۲۶۸: «۴- جَمَاعَةٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلَاةِ يُطْرَحُ مِنْهَا غَيْرُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنْتَمُ بِالْتَّوَّافِلِ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سَوَاهَا إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ يُبْضِئُ مُشْرِقُهُ تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفَظَكَ اللَّهُ وَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا يَغْيِرُ خُدُودَهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ».

۳ - فرائد الاصول (طبع انتشارات اسلامی)؛ ج ۲؛ ص ۵۲۹: «تذنیب (ذکر الفاضل التونی لأصل البراءة شروطاً آخر) الأول أن لا يكون إعمال الأصل موجباً لثبوت حكم شرعي من جهة أخرى..... الثاني أن لا يتضرر بإعمالها مسلم.....».

مورد اول: همین مثالی که در تبیین نظریه **فاضل تونی** اشاره کردیم اصلاً این مثال ربطی به این بحث ندارد و اینکه برائت جاری نمی‌شود به جهت دیگری است.

توضیح مطلب: در اطراف علم اجمالی چنانچه در مباحث قبل توضیح داده‌ایم اگر شما در هر دو طرف اصل را جاری کنید مقتضی دارد هم در ظرف اول و هم ظرف دوم ولی جریان هر دو اصل مخالفت با علم اجمالی می‌شود. یعنی یک تکلیفی را که یقین به ثبوتش داری با اصل عملی می‌خواهی نفی کنی، آن ما لا یعلم نیست، اجمالاً می‌دانی یکی از این دو ظرف نجس است، اگر در هر یک از دو ظرف اصل عملی و برائت جاری شود، مخالفت با علم اجمالی و تکلیف است لذا در هر دو ظرف اصل عملی و برائت جاری نمی‌شود در ظرف واحد هم جاری نمی‌شود نه به خاطر اینکه تکلیف الزامی درست می‌شود ربطی به این ندارد بلکه به خاطر این است که ترجیح بدون مرجع است در ظرف اول که برائت جاری می‌کنید همین مقتضی در ظرف دوم هم هست، در هر دو ظرف نمی‌شود در یکی از دو ظرف هم برائت جاری نمی‌شود چون ترجیح بدون مرجع است لذا این مثالی که این محقق فرمودند عدم جریان برائت ربطی به این شرط ندارد. یا در هر دو ظرف جاری نمی‌شود چون مخالفت با تکلیف است و یا در یکی از دو طرف جاری نمی‌شود چون ترجیح بدون مرجع است.

مورد و مثال دیگری در باب تراحم است که اگر اصل برائت تصویر شد اصل برائت جاری می‌شود هر چند یک تکلیف الزامی هم به عهده انسان بیاید مشکلی هم ایجاد نمی‌کند. توضیح این مثال و مورد دوم خواهد آمد.